

آستانه یک قیام بزرگ سراسری

به بسیاری از شهرها و استان‌های دیگر نیز تسری یافته است. اعتصابات کارگری درحال افزایش است. اعتصاب بزرگ و سراسری کارگران پیمانی و پروژه‌های صنعت نفت بیش از یک ماه ادامه یافته است. کارکنان رسمی نفت نیز در تدارک اعتصاب‌اند و بخش‌ها آن را استارت زده‌اند. اعتراض کارگری در فولاد و مخابرات و هپکو آذر آب و سایر کارخانه‌ها و بخش‌ها نیز

در صفحه ۳

فریاد اعتراض توده‌های وسیع کارگر و زحمتکش از همه سو بلند است. نارضایتی و خشم عمیق و فروخته کارگران، زحمتکشان، تهیدستان، بیکاران، زنان و جوانان جویای کار، انفجارهای پی‌درپی اجتماعی را رقم زده است. آتشفشان اعتراض در اشکال علنی و توده‌ای، ده‌ها شهر کشور را فراگرفته است. تظاهرات و اعتراضات گسترش یابنده خیابانی که جرعه نخست آن در شهرهای خوزستان زده شد، اکنون

جمهوری اسلامی راه‌حلی برای وضعیت فاجعه‌بار اقتصادی ندارد

در صفحه ۱۰

وزیر بهداشت می‌گوید:

" این ویروس حالا حالاها مهمان ما است "

معیارهای قطعی تشخیصی، ۱۸ هزار و ۶۳۲ بیمار جدید مبتلابه کووید-۱۹ در کشور شناسایی شد که دو هزار و ۵۰۹ نفر از آن‌ها بستری شدند. در طول ۲۴ ساعت گذشته، ۲۵۹ بیمار کووید-۱۹ جان خود را از دست دادند و مجموع جان‌باختگان این بیماری به ۸۸ هزار و ۵۳۲ نفر رسید.

در حال حاضر ۲۳۲ شهر کشور در وضعیت قرمز، ۱۱۷ شهر در وضعیت نارنجی، ۹۹ شهر

در صفحه ۵

درحالی‌که در سراسر جهان به‌جز چند کشور از نمونه ایران، آمار مرگومیر روزانه ناشی از بیماری کرونا یا به عدد صفر رسیده و یا به کمتر از ده نفر کاهش یافته و مردم زندگی عادی خود را از سر گرفته‌اند، در ایران گسترش ویروس کرونا بار دیگر اوج جدیدی یافته و تاکنون بر طبق آمار رسمی به بیش از ۲۵۰ فوت در روز افزایش یافته است.

بنا بر اعلام مرکز روابط عمومی و اطلاع‌رسانی وزارت بهداشت، ۲ مردادماه ۱۴۰۰ و بر اساس

افتخار بر مردمی که به حمایت از مبارزه مردم خوزستان برخاسته‌اند

۷ گزارش از تجمع اعتراضی در استکهلم سوئد

۷ گزارشی از آکسیون شنبه ۲ مرداد در مقابل سفارت جمهوری اسلامی در لندن

۴ پرپایی آکسیون حمایت از مبارزات مردم خوزستان در تورونتو

۷ اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست خیزش تشنگان بخون کشیده شد!

خوزستانی که تشنه است، گرسنه است، اما تنها نیست

خوزستان در آتش می‌سوزد و آبی نیست. آب شربی تا عطش مردمان را در دمایی گاه تا بالای ۵۰ درجه فرونشاند؛ آبی تا گاو میش‌ها و پرندگان و ماهیان را جانی بخشد؛ آبی تا اندکی مزارع تفتان و محصولات سوخته از بی‌آبی را سیراب کند. هرچند بسیارست باران تهدید و ناسزا و پیش از آن و بیش از آن رگبار گلوله‌های سوزان بر پیکر مردم معترض تا عطش خون حاکمان را فرونشاند.

در توصیف بی‌اعتنایی رژیم به شرایط اسفبار مردم به صف ایستاده برای دریافت چند لیتری آب و عکس‌ها و ویدئوهایی از انبوه ماهیان و پرندگان جان داده و گاو میش‌های به گل نشسته در خوزستان حسرت‌مند آب، رسانه‌های رژیم شادمانه از "صدور مجوز پروژه‌های جدید انتقال آب رودخانه کرخه و هورالعظیم" خبر می‌دادند.

چنین است که کاسه صبر مردمی که در عطش آب آشامیدنی و آب برای دام‌ها و محصولاتشان می‌سوزند، سرآمد و به اعتراض برخاستند. اعتراضی که همان سناریوی قدیمی، ملال آور و جنایت‌بار رژیم را به صحنه می‌آورد. انکار، کوچک‌نمایی، اتهام‌زنی‌هایی چون "اغتشاشگر"، "عوامل بیگانه"، "رسانه‌های بیگانه"، "ستون پنجم" و تهدید و ارباب، و در نهایت وعده "رسیدگی" در پشت بلندگوهای رسمی و اعزام اوپاش سرکوبگر هر چه بیشتر برای دستگیری، ضرب و شتم و قتل در صحنه وقایع. البته همراه با اختلال و قطع اینترنت برای سرکوبی هر چه خونین‌تر در سکوت خبری.

استاندار خوزستان مدعی می‌شود تصاویر و ویدئوهای اعتراضات مردم "جعلی" هستند. خبرگزاری فارس وابسته به سپاه به "چند جوانی" اشاره می‌کند که در برخی از جاده‌ها لاستیک آتش زده‌اند، که به "دقایقی اختلال در عبور و مرور جاده‌ها" انجامید، اما "با حضور

در صفحه ۲

از مردم خوزستان حمایت و مبارزه برای سرنگونی رژیم حاکم را تشدید کنیم فعالین و هواداران سازمان فدائیان (اقلیت) - داخل کشور

در صفحه ۶

خوزستانی که تشنه است، گرسنه است، اما تنها نیست

نیروهای انتظامی بدون هر گونه درگیری" ترافیک در جاده‌ها روان شد. معاون اجتماعی و سخنگوی نیروی انتظامی با وجود ادامه اعتراضات در ۲ مرداد مدعی می‌شود، "الحمدالله هیچ‌گونه مشکل امنیتی در سطح استان وجود ندارد و کلیه نقاط حساس شهرستان‌های تحت کنترل قرار گرفته است.

وعده "رسیدگی" به معضلی که خود پدیدآورنده آن هستند. وعدهی "آبرسانی"، با افزایش تعداد تانکرها به ساکنان منطقه‌ای که یکی از پرآب‌ترین استان‌های کشور توصیف می‌شد ولی اکنون به گفته یکی از مقامات ۷۰۲ روستای آن آب آشامیدنی ندارند. آب سیستم لوله‌کشی شهرنشینان نیز غیرقابل شرب و غیربهداشتی است. وعده "مدیریت تنش آبی" در حالی که همچنان همان سیاست‌های بحران‌زای پیشین با جدیت دنبال می‌شود. برای نمونه به رغم هشدارهای متعدد کارشناسان و آشکاری نتایج فاجعه‌بار سیاست‌های سدسازی و انتقال آب تاکنونی، قرار است بالاتر از سد مارون بهبهان، سد مارون ۲ افتتاح شود که در صورت بهره‌برداری، زراعت شهرستان‌های رامهرمز، رامشیر و شادگان را از بین برده و با مرگ رودخانه جراحی و حوزه مارون فاجعه محیط زیستی دیگری را رقم می‌زند.

وعده اختصاص اعتبارات. اعتباراتی که بر روی کاغذ اختصاص داده می‌شوند و حتی اگر بخشی از آن متحقق شود، سرنوشتی نامعلوم دارند. همچون وام ۱۴۹ میلیون دلاری بانک جهانی در سال ۸۴ که برای اصلاح و تکمیل آب و فاضلاب اهواز اختصاص داده شده بود، اما از خاطره‌ها رفته بود تا آن که در آذر ۹۹ با ریزش باران‌های پاییزی و آبگرفتگی و سرازیر شدن آب‌های سطحی و فاضلاب به خانه‌های مردم، بار دیگر به یادها افتاد. نتیجه هم آن که پس از مدتی جار و جنجال دوباره به فهرست "گمشدگان" بازگشت! و سال‌هاست که همچنان فاضلاب و پول وارد اهواز می‌شود، اما یکی به خانه مردم سرازیر می‌شود و دیگری به جیب غارتگران.

آن‌گاه که صدای اعتراضات بلندتر از دیوار حاشا انکار می‌گردد ناگزیر به اعتراف، همه مقصر اعلام می‌شوند به جز مسئولان نالایق و ضد مردمی، آسمان بخیلی که نمی‌بارد، شلتوک‌کارانی که حق‌آبه دیگران را می‌ربایند.

به همین نیز بسنده نمی‌کنند. آن‌گاه که انکار و وعده و تهدید و سرکوب خونین مؤثر نمی‌افتد، ژست ایپوزیسیون و دلسوز به خود می‌گیرند. رهبر جنبایتکار جمهوری اسلامی، ۹ روز بعد، واقعاً "نگران مسئله خوزستان و مسئله آب" برای سرنوشت رژیم‌اش، می‌نالد که چرا به "توصیه" هایش عمل نشده است؛ در حالی که مشکلات کنونی مردم در خوزستان دقیقاً ناشی از اجرای "فرمان‌ها" و "توصیه‌های" او طی سالیان مدید است. چرا که اعتراضات مردم خوزستان به وضعیت آب شرب، گردوخاک و ریزگردها، تقاضا برای تأمین آب مورد نیاز برای کشاورزی و دامداری و محیط زیست و رفع بیکاری و فقر، نه از چند روز پیش، بلکه از دهه ۷۰، آغاز شده

است. روحانی، مردم را به ریشخند می‌گیرد، و چندین روز پس از اعتراضات مردمی، معاون‌اش را به خوزستان می‌فرستد تا از "طرح ۵۵۰ هزار هکتاری مقام معظم رهبری" بازدید کند؛ طرحی که اعتبار و آب بخش عظیمی از آن تأمین شده است و قرار است به قیمت هستی و زندگی مردم، به سرمایه‌داران و نهادهای دولتی و حکومتی میلیاردها دلار سود رساند. در ضمن "گپی" هم با شیوخ قبایل و طوایف بزند که آن هم با اقتضاح خاتمه می‌یابد.

فرمانده کل سپاه پاسداران (همان ارگانی است که در سه دهه گذشته مجری بیش از ۹۰ درصد پروژه‌های سدسازی و انتقال آب خوزستان و از عوامل اصلی بروز تنش آبی در این منطقه بوده است) برای بررسی "آخرین وضعیت تنش آبی در این استان" از سرکوبگران مردم نیروهای بسیجی و سپاهی بازدید می‌کند. دستگاه قضاییه وعده پیگیری و اعزام "هیئت‌های ارشد قضایی" برای بررسی را می‌دهد، که بی‌تردید مردم از نتایج "بررسی‌های" قصاصخانه رژیم از پیش آگاه‌اند.

خوزستان تنها تشنه آب نیست، غم‌نان نیز دارد. سهم مردم خوزستان از زندگی در استانی که در تولید ناخالص داخلی در رتبه دوم کشور قرار دارد، جز فقر و بیکاری، زاغ‌نشین و آلودگی محیط زیستی نبوده است. نرخ مشارکت جمعیت فعال اقتصادی (با تمام آمارسازی‌های رژیم) در این استان دارای بزرگترین میدان‌های نفتی کشور و صنایع بزرگ، تنها ۴۰ درصد است. به گفته استاندار خوزستان در اردیبهشت سال جاری، نرخ بیکاری خوزستان ۱۴ / ۵ درصد اعلام شده است، اما در برخی مناطق استان، نرخ بیکاری بالاتر از ۴۵ تا ۵۰ درصد است. بارها همگان شاهد اعتراضات مردم و به ویژه جوانان بیکار به سیاست‌های تبعیض‌آمیز در استخدام نیروهای بومی در مشاغل دولتی و صنایع این استان بوده‌ایم. نرخ بیکاری بالای این استان، خوزستان را در میان ۴ استان دارای شاخص فلاکت (حاصل از افزودن نرخ بیکاری به تورم) ۱ / ۴۶ قرار داده است. شاخصی که از جمله بدترین شاخص‌ها به شمار می‌رود و هر چه بالاتر باشد، نشان‌دهنده سطح پایین‌تری از رفاه است.

کمبود آب در خوزستان، پیامدهای ویران‌گری بر محیط زیست باقی گذاشته است. آن هم در استانی که مردمان سالیان بسیار معاش خود را از کشاورزی و دامداری و ماهیگیری تأمین می‌کرده‌اند. انعکاس این شرایط را می‌توان حتی در گزارش‌ها و آمار دولتی یافت. به گزارش وزات رفاه و تعاون و کار، مهم‌ترین معضلات استان عبارت است از میزان گسترده فقر (۲۶ درصد خانوارهای این استان زیر خط فقر قرار دارند)، درصد بالای مهاجرت و حاشیه‌نشینی (دومین استان از نظر وسعت حاشیه‌نشینی)، و شمار گسترده خانواده‌های بی‌سرپرست و بدسرپرست و کودک‌همسری.

با تخریب محیط زیست، شور شدن آب‌ها، خشکیدن چاه‌ها، کم‌آبی رودخانه‌ها و تالاب‌ها

همپا با عدم سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، به نبود آب آشامیدنی سالم، بروز ریزگردها، آلودگی هوا و بسیاری آسیب‌های دیگر انجامیده که هر یک سلامتی مردم را در مخاطره جدی قرار داده است. شیوع کرونا از سال ۹۸ تاکنون نیز بر وخامت اوضاع، همچون سراسر ایران، افزوده است.

خوزستان تنها تشنه آب نیست، گرسنه نان نیست، تشنه آزادی هم هست.

افزون بر موارد فوق بایستی به اعمال سیاست‌های تبعیض ملیتی، محرومیت از حداقل حق مشارکت در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی نیز اشاره کرد که ستمی مضاعف را بر توده مردم تحمیل کرده است. در چنین شرایطی اعمال سیاست‌های امنیتی - نظامی سرکوبگرانه در استان‌های مرزی، به ویژه استان نفت‌خیز مهمی چون خوزستان، زندگی را دشوارتر و دشوارتر ساخته است.

با این همه سیاهی و تبهکاری رژیم در خوزستان، خوزستان تنها نیست.

از همان آغاز، موج اعتراضات به زودی مرزهای روستایی و شهری را در نوردید و هر شب بر تعداد روستاها و شهرها افزوده شد تا آن که مرز استانی را هم پشت سر گذاشت و به جز در رسانه‌های اجتماعی، سیل پیام‌ها، بیانیه‌ها، تجمعات حمایتی، شعارهای شبانه و دیوارنویسی‌ها بود که در فضای واقعی مبارزه جاری شد. از جمله: پیام‌های همبستگی و حمایت از سوی سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت‌تپه، کارخانه فولاد ملی اهواز، سندیکای کارگران شرکت واحد تهران، شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت، بازنشستگان، معلمان، کانون نویسندگان ایران، فعالین عرصه‌های مختلف اجتماعی، سازمان‌های چپ و کمونیست.

تلاش گسترده رژیم در ایجاد اختلال در اینترنت، هرچند خبررسانی دقیق درباره وقایع خونین در خوزستان را دشوار ساخته است، اما این سد با تلاش توده‌های معترض شکسته شده است. برحسب همین خبرهای موجود تاکنون صد‌ها تن بازداشت و مجروح و بسیاری جان باخته‌اند. اما با شناخت از ماهیت حاکمان جمهوری اسلامی به جرأت می‌توان گفت که دامنه جنایت اوایش سرکوبگر رژیم بسیار گسترده‌تر از آمار تاکنونی است.

خیزش روزهای اخیر مردم خوزستان ریشه در همان معضلاتی دارد که در آبان ۹۸ مردم سراسر ایران را به قیام واداشت. فریاد اعتراض توده مردم خوزستان، استمرار همان فریادهایی است که در سال ۹۸ در سراسر ایران طنین افکند. در برابر آنان، همان رژیم خونخوار و سیه‌کاری قرار دارد که در برابر تمام توده‌های مردم ایران سلاح به دست گرفته و روزانه جانی دیگر را به بهانه‌های مختلف می‌ستاند. نباید اجازه دهیم رژیم بار دیگر اعتراضاتی دیگر را سبعمانه در خون توده مردم خفه کند. خواسته‌های توده‌های کارگر و زحمتکش خوزستان، همان خواسته‌های کارگران و زحمتکشان سراسر ایران است: "کار، نان، آزادی". خواسته‌هایی که تنها با حکومت شورایی تحقق‌پذیرند.

آستانه یک قیام بزرگ سراسری

پیوسته در حال افزایش است. کارگران قهرمان هفتتپه، از دوم مرداد و در دوازدهمین روز دور جدید اعتصاب خود، با شعار "برود بر کارگر، مرگ بر ستمگر" وارد خیابان شده‌اند. تمام فضای سیاسی و اجتماعی جامعه، به انحصار فوران خشم ارتش گرسنگان و انفجارات پی‌درپی آن درآمده است. این واقعیت که جامعه از دی‌ماه ۹۶ وارد یک دوران انقلابی و پرتلاطم سیاسی شده و با قیام آبان ۹۸ به یک موقعیت انقلابی گذر نموده است اکنون با وضوح بیشتری خود را نشان می‌دهد. از پی هر انفجار کوچک، انفجار بزرگتری نطفه می‌بندد و موج‌بلند دیگری از اعتراض از راه می‌رسد. کوه بزرگ آتش‌فشان توده‌های کارگر و زحمتکش، همچنان بی‌تابانه می‌غرد و می‌رود تا با غرشی سهمگین و رعدآسا، انفجار آخر را رقم زند.

انفجارات کوچک و بزرگ اجتماعی که اکنون در دو عرصه مشخص اعتصابات پر شمار و مبارزات سراسری کارگری و تظاهرات توده‌ای و اعتراضات خیابانی بازتاب یافته است، گویای همین واقعیت و گویای نیاز مبرم جامعه به تغییر بنیادی نظم موجود است، یک تحول و دگرگونی ژرف و عمیق، یک انقلاب اجتماعی.

اعتصاب قدرتمند و سراسری ده‌ها هزار کارگر پیمانی و پروژه‌های نفت و گاز و پتروشیمی در بیش از ۱۱۴ مرکز نفت و گاز و پتروشیمی و ۱۵ استان، علی‌رغم تمام خرابکاری‌ها و توطئه‌های رنگارنگ علیه این اعتصاب، بیش از یک ماه ادامه یافته است. گرایش راست و مخرب توطئه‌گر و عناصر معلوم‌الحال پرو رژیم همدست باندها و جناح‌های حکومتی، نخست تلاش کردند با غم کردن یک عنصر سرسپرده به‌عنوان "نماینده" کارگران نفت و جمع‌آوری امضاء، اعتصاب را از دست شورای سازمان‌دهی و کارگران آگاه نفت خارج سازند و با تقلیل مطالبات کارگران، در زدوبند با سرمایه‌داران و دولت آن‌ها، سر اعتصاب را به سنگ بکوبند. اما این توطئه به خاطر هوشیاری کارگران آگاه و شورای سازمان‌دهی، نافرجام ماند. همین گرایش اکنون از در دیگری وارد شده و این بار مستقیم و بی‌واسطه، با توطئه پایان اعتصاب جلوآمده و "طرح نظرسنجی در مورد پایان اعتصاب" را پیش کشیده است. هدف اصلی این گرایش از این اقدام خرابکارانه که توسط "مدیریت گروه‌های پایپینگ" دنبال می‌شود این است که قبل از اینکه کارگران به خواست‌های خود، دست‌کم به کف خواست‌های خود که در بیانیه‌های شورای سازمان‌دهی مکرر بر آن‌ها تأکید شده برسد، اعتصاب را پایان داده و به شکست بکشاند.

شورای سازمان‌دهی که پیش‌از این طرح نماینده تراشی وزارت کار و عمال آن و گروه پایپینگ را خنثی ساخته بود با انتشار به‌موقع بیانیه افشاگرانه شماره ۱۰ مورخ اول مرداد و شماره ۱۱ مورخ سوم مرداد ۱۴۰۰ و تأکید چندباره بر ۴ خواست محوری کارگران به‌عنوان کف خواست‌ها و شرط پذیرش مذاکره و در نهایت بازگشت به کار این توطئه را نیز افشا کرد و از کارگران نفت خواست که با انتخاب نماینده و دخالت‌گری بیشتر و تصمیمات شورایی، اتحاد

اعتصاب زده و خواهان رسیدگی به وضعیت خود شده‌اند، اما دولت از انجام مسئولیت خود سرباز زده و هیچ اقدامی به سود کارگران انجام نداده است. در بیستمین روز تجمعات روزانه کارگران دفع آفات، سایر کارگران هفتتپه نیز از روز ۲۴ تیر دست از کار کشیده‌اند. اعتصاب تمام بخش‌ها را در بر گرفته است و دور جدید اعتصاب کارگران هفتتپه روز یکشنبه سوم مرداد ۱۴۰۰ وارد سیزدهمین روز خود شد. این کارگران از روز دوازدهم اعتصاب وارد شهر شده و در خیابان‌ها دست به تظاهرات و راهپیمایی زده‌اند. کارگران هفتتپه خواهان تعیین تکلیف نهایی شرکت، پرداخت دستمزدهای معوقه، بازگشت به کار اسماعیل بخشی، محمد خنیفر و دیگر کارگران اخراجی، واکنش شدن فوری و رایگان در مقابل کرونا، تمدید قرارداد کارگران فصلی، تأمین فوری آب موردنیاز شرکت و خاتمه دادن به پرونده‌سازی علیه فرزانه زیلابی وکیل کارگران هفتتپه هستند. اعتراضات کارگران هفتتپه اکنون در این چارچوب‌ها خلاصه نمی‌شود. مبارزه علیه کارفرمای خلعید شده و مدیریت دست‌نشانده وی و مبارزه علیه حامیان دولتی اسد بیگی از جمله "روحانی روضه‌خوان بی‌لیاقت" و وزرای وی نیز در حال گسترش است.

این تنها بخشی از اعتصابات و مبارزات گسترش‌یابنده کارگری در اوضاع پرتلاطم سیاسی جامعه است. در سطح جنبش توده‌های زحمتکش و اقشار فرودست جامعه نیز ما شاهد اعتراضات گسترده توده‌ای هستیم.

تظاهرات توده‌ای شبانه که از ۲۴ تیر ۱۴۰۰ در استان خوزستان آغاز شد، تنها در ظرف چند روز بیش از بیست شهر این استان را دربرگرفت. به‌رغم سرکوب گسترده مردم و کشتار دست‌کم ۸ جوان معترض و بازداشت و زندان بیش از ۱۰۰ تن از اعتراض‌کنندگان، تا به امروز یکشنبه سوم مرداد ادامه یافته و وارد یازدهمین روز خود شده است. خیزش توده‌های زحمتکش و ستم‌کشیده خوزستان تنها در محدوده شهرهای این استان باقی نماند. مردم شهرها و استان‌های مختلف دیگر از جمله لرستان، بوشهر، چهارمحال بختیاری، اصفهان، ایلام، بجنورد، شیراز، یزد، آذربایجان (تبریز)، کرج، رباطکریم و مناطقی از تهران در حمایت از مردم خوزستان و در اعتراض نسبت به سیاست‌های دولت نیز به خیابان آمدند. پاره‌ای محافل کوتاه‌بین تلاش کردند مشکلات مردم خوزستان را به یک بطری آب یا صرفاً کمبود آب تقلیل دهند. برخی عناصر نیمه آکادمیک در شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های تصویری بورژوا امپریالیستی تنها از زاویه خشک‌سالی و تخریب محیط‌زیست و امثال آن وارد ماجرا شدند و کوشیدند کل ماجرای خوزستان را در حد یک مسئله محیط زیستی خلاصه کنند و آشکارا درصدد تیرنه طبقه حاکم و اجرای بیش از چهار سال سیاست‌های ضد مردمی و نژادپرستانه آن برآمدند. مردم خوزستان اگرچه از همه این مسائل در رنج‌اند و زیان فراوان دیده‌اند، آب برای کشاورزی ندارند، از نظر آب شرب در مضیقه و صد در صد مخالف تخریب محیط زیست هستند، اما خیزش اخیر این مردم را نمی‌توان فقط به این مسائل در صفحه ۴

کارگران را تقویت کنند.

نارضایتی و اعتصاب و روحیه اعتراضی تنها به کارگران پیمانی و پروژه‌های خلاصه نمی‌شود. گرچه بیشترین فشارها بردوش این بخش پر شمار کارگران نفت است و موتور اصلی اعتصاب در نفت محسوب می‌شوند، اما اوضاع در بخش رسمی‌ها نیز ناآرام و انفجاری است. کارکنان رسمی نفت که بارها هشدار و التیماutom داده بودند اگر مطالباتشان برآورده نشود و وعده‌های کمیسیون انرژئ مجلس در ۶ و ۹ تیر عملی نشود، دوباره دست به اعتراض و اعتصاب خواهند زد، در تدارک اعتصاب‌اند. کارکنان رسمی نفت تا همین‌جا، اینجوانجا اعتصاباتی را نیز سازمان داده‌اند که از جمله می‌توان به تجمع کارکنان رسمی شرکت پالایشگاه گاز فجر جم در ۲۹ تیر، تجمع کارکنان رسمی پتروشیمی آبادان در دوم مرداد و اعتصاب و امتناع کارکنان رسمی عملیاتی سکویای گازی پارس از عزیمت به سکویای گازی اشاره کرد. در همین رابطه "کارکنان عملیاتی سکویای گازی طی نامه‌ای خطاب به یحیی جعفری معاون عملیات و پشتیبانی شرکت نفت و گاز پارس اعلام کردند که در اعتراض به "افزایشات عمومی نامتناسب و سقف ناعادلانه حقوق کارکنان" از روز شنبه دوم مرداد ۱۴۰۰ از عزیمت به سکوها از عملیوی خودداری کرده و در سایت یک عملیویه و فرودگاه دست به تجمع خواهند زد."

در سایر صنایع و مؤسسات و کارخانه‌ها نیز کارگران شدیداً زیر فشارهای غیرقابل‌تحمل اقتصادی قرار دادند و از لحاظ معیشتی به شدت در تنگنا هستند. در هیکو و آذر آب همه ناراضی و معترض و آماده اعتصاب و اعتراض علنی هستند. در فولاد اهواز پرونده‌سازی علیه کارگران پیشرو تشدید شده و چند تن از کارگران بازرگویی و محاکمه شده‌اند. کارفرمای فولاد در همدستی با نهادهای سرکوب و امنیتی لیست بلندی از کارگرانی که باید اخراج شوند تهیه نموده و غریب‌بویزوی، ماهرچلداوی و امید کردونی در ۳۱ خرداد توسط نیروی انتظامی بازداشت شدند. حکم اخراج غریب‌بویزوی و حسین رضایی صادر شده است. کارگران فولاد نسبت به تمام این اقدامات و وضعیت شرکت معترض‌اند. فولاد آبیستن اعتراض و اعتصاب است. کارگران فولاد اخیراً چنین هشدار داده‌اند "ما کارگران گروه ملی صنعتی فولاد اهواز تجربه درخشان اعتصاب و اتحاد در خیابان و شهر و روستا داریم و به سرکوبگران و غارتگران خوزستان و ایران هشدار می‌دهیم که اگر لازم باشد، یعنی اگر خطوط تولید شرکت به همین منوال پیش برود، اعتراضات سرکوب شود و بحران آب و برق به‌طور اساسی و مطابق با خواست اکثریت مردم حل نگردد بار دیگر خیابان‌های اهواز را با سازمان‌دهی مشخص کارگران به لرزه درخواهیم آورد تا از رفتار خود پشیمانان کنیم."

در هفتتپه علی‌رغم سپری شدن بیش از سه ماه از اعلام خبر خلع‌ید از اسدبیگی، وضعیت شرکت کماکان بلا تکلیف و نابسامان است. کارگران هفتتپه مکرر دست به تجمع و

آستانه یک قیام بزرگ سراسری

محدود کرد. مردم زحمتکش و عرب خوزستان سال‌هاست از تبعیض و نابرابری در رنج‌اند. جوانان استان بیکارند. درصد بیکاری در این استان از متوسط بیکاری در کل کشور بالاتر است. کار نیست و آینده روشنی در برابر آن‌ها قرار ندارد. درحالی‌که روی دریایی از ثروت زندگی می‌کنند اما روزگار خویش را در فقر و بدبختی می‌گذرانند و از یک معیشت حتی متوسط نیز محروم‌اند.

البته که مردم زحمتکش سایر استان‌ها نیز در اغلب موارد با مردم خوزستان هم سرنوشت‌اند و از دردهای مشترکی رنج می‌برند. بیهوده نیست که مردم سایر استان‌ها به حمایت از مردم خوزستان به‌پاخاستند. بیهوده نیست که مردم تبریز شعار " آذربایجان بیدار است پشتیبان خوزستان است" سر دادند. بیهوده نیست که جنبش مردم زحمتکش خوزستان در سطح وسیع و گسترده‌ای مورد حمایت و پشتیبانی قرار گرفته است.

گسترش اعتصابات کارگری، اعتصاب سراسری کارگران پیمانی و پروژه‌های نفت و گاز و پتروشیمی، اعتصاب کارگران هفت‌تپه و اعتصاب کارکنان رسمی نفت از یکسو، جنبش اعتراضی توده‌ای در کف خیابان از سوی دیگر، نه‌فقط یکبار دیگر شرایط بس متحول و متلاطم سیاسی را یادآوری نمود بلکه نبردها و خیزش‌های بزرگتری را بشارت داد که طبقه کارگر باید برای آن، خود را آماده و تجهیز کند.

در شرایط کنونی بسیار مهم است که طبقه کارگر در نقش یک حامی جدی جنبش توده‌ای ظاهر شود که البته تا حدودی، تأکید می‌کنیم که تا حدودی ظاهر شد. صرف‌نظر از تنوع و گوناگونی نیروهای حمایت‌کننده از جنبش توده‌ای، از کانون‌های متعدد صنفی معلمان و کانون نویسندگان ایران، شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان و تشکلهای بازنشستگان، دانشجویان گرفته

روزنامه‌نگاران، وکلا و برخی گروه‌های موسیقی و فعالان عرصه فیلم و سینما و غیره، این اعتراضات قبل از همه مورد حمایت گسترده کارگران و تشکلهای کارگری قرار گرفت. شورای سازمانده اعتراض و اعتصاب سراسری ده‌ها هزار کارگر پیمانی و پروژه‌های صنعت نفت با صدور اطلاعیه و تأکید بر این‌که " مطالبات مردم خوزستان مطالبات ما کارگران هم هست" و " مردم خوزستان صدای اعتراض همه مردم در سراسر کشور هستند" از مردم خوزستان حمایت کرد. سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه، سندیکای کارگران شرکت واحد نیز در بیانیه‌های مشابهی از جنبش توده‌های مردم خوزستان حمایت کردند. کارگران هفت‌تپه، کارگران گروه ملی فولاد اهواز و بسیاری دیگر از کارگران و تشکلهای فعالان کارگری در زمره نخستین حامیان مردم زحمتکش خوزستان بودند. امروز حمایت‌ها از حد اعلام حمایت و اعلام همبستگی کارگری به فرض با بخش‌های اعتصابی در درون طبقه کارگر فزاینده رفته است. تمام کارگران و تشکلهایی که در همبستگی و حمایت از هم‌طبقه‌های خود در جریان اعتصابات اخیر

پریایی آکسیون حمایت از مبارزات مردم خوزستان در تورونتو

طبق فراخوانی که از طرف فعالین سازمان فدائیان (اقلیت) و دیگر نیروهای چپ و کمونیست در تورنتوی کانادا در



حمایت از مبارزات مردم خوزستان تشنه و سایر شهرهای ایران و نیز علیه جنایات و سرکوب معترضین به‌جان‌آمده توسط جمهوری اسلامی انتشار یافته بود، آکسیونی در روز شنبه ۲۴ جولای ۲۰۲۱ در میدان مل لستمن تورنتو برگزار شد. این آکسیون از ساعت ۶ تا ۷ بعدازظهر در این میدان ادامه داشت. شرکت‌کنندگان ضمن حمل پوستر و نوشته‌های حمایتی از مبارزات زحمتکش خوزستان، شعارهایی نظیر

مرگ بر جمهوری اسلامی، جمهوری اسلامی نمی‌خواهیم، نمی‌خواهیم، خوزستان حمایت می‌کنیم سر دادند.

فعالین سازمان فدائیان (اقلیت) - تورنتو - کانادا
۲۵ جولای ۲۰۲۱

فعال‌تر به اعتصاب، راه اعتصابات گسترده سراسری و اعتصاب عمومی سیاسی را نیز هموار می‌کند.

این واقعیت برکسی پوشیده نیست که اعتراض و جنگ خیابانی یکی از مراحل پیشرفته مبارزات توده‌ای است. این جنگ در غیاب طبقه کارگر، حتی اگر مغلوب رژیم حاکم نشود و در زیر چرخ‌های ماشین سرکوب آن از پا در نیاید، اما به نتیجه مطلوب و پیروزی کارگران و زحمتکش‌ان منتهی نمی‌شود. خیزش ده‌ماه ۹۶ و قیام آبان ۹۸ که در خون قیام‌کنندگان غرق شد، این را به همگان ثابت کرد. نخستین جرقه اعتراض علیه گرانی بنزین از همین خوزستان نفت‌خیز تشنه برخاست که قیام سراسری آبان را در پی داشت. این بار جرقه اعتراض علیه بی‌آبی، می‌رود تا قیام بزرگتری را رقم زند. بنابراین بسیار ضروری است که خیابان و کارخانه را به هم پیوند داد. سلاح توده‌های زحمتکش و تهیدست جامعه و میلیون‌ها جوان جویای کار را که اعتراض خیابانی و تظاهرات و سنگربندی است، باید با سلاح اصلی طبقه کارگر که اعتصابات سراسری کارگری و درنهایت اعتصاب عمومی سیاسی است به هم گره زد. طبقه کارگر که خود جزئی جداناپذیر از یک جنبش انقلابی و رادیکال عمومی است، نه‌فقط نمی‌تواند و نباید در قبال جنبش توده‌ای بی‌تفاوت باشد و نیست، بلکه با دخالت‌گری فعال خویش می‌تواند کل جنبش انقلابی را سمت‌وسو دهد، مسیر اعتصاب عمومی سیاسی را بکوبد و هموار کند و مهم‌تر از آن، زمینه حضور قدرتمند خود برای رهبری عملی این جنبش را فراهم سازد.

موضع‌گیری کرده‌اند، در جریان جنبش توده‌ای خوزستان نیز پیش‌قدم شده و از مردم این استان حمایت کردند. پوشیده نیست که حمایت وسیع و گسترده کارگری از جنبش توده‌ای، در ادامه و آینده این جنبش بسیار تأثیرگذار است و بنابراین باید ادامه یافته و با گسترش هرچه بیشتری همراه شود. نیازی به توضیح نیست که میان مبارزات و اعتصابات کارگران و مبارزات زحمتکش‌ان و تهیدستان شهر و روستا که به خیابان پا گذاشته‌اند، رابطه معینی وجود دارد و منافع مشترکی تمام این اقشار زحمتکش و عاصی را با طبقه کارگر پیوند می‌زند. گو آنکه بسیاری از اعتراض‌کنندگان شهرهای خوزستان را کارگران بیکار و جوانان جویای کار تشکیل می‌دهند که خود، از خانواده‌های کارگری هستند. حمایت کارگری از جنبش اعتراض توده‌ای، علاوه بر صدور اطلاعیه و اعلام موضع باید اشکال عملی مشخص‌تری به خود بگیرد. یکی از مهم‌ترین و یا بهترین اشکال علنی و مؤثر حمایت و همبستگی در شرایط حاضر دست کشیدن از کار و اعتصاب است. با این تاکتیک طبقه کارگر می‌تواند در نقش جدی‌ترین و مؤثرترین حامی جنبش توده‌ای ظاهر شود. در آغاز حتی اعتصابات نمادین به فرض چند دقیقه‌ای هم می‌تواند از صرف اعلام موضع مؤثرتر باشد. پوشیده نیست که این‌گونه حمایت‌های عملی، اعتمادبنفس در صفوف معترضین خیابانی را تقویت می‌کند و راه پیوستن گروه‌های بیشتری از زحمتکش‌ان به اعتراضات خیابانی را هموارتر می‌کند. فقط این هم نیست، طبقه کارگر با ورود

وزیر بهداشت می‌گوید: "این ویروس حالا حالاها مهمان ما است"

در وضعیت زرد قرار دارند.

بر طبق آمار رسمی وزارت بهداشت در طول یک ماه گذشته از اول تیر تا سی و یکم تیر، ۴ هزار ۸۲۶ نفر در ایران بر اثر ابتلا به کرونا جان خود را در بیمارستان‌ها از دست دادند. به عبارت دیگر، به‌طور متوسط ساعتی بیش از شش نفر جان باخته‌اند. اگر تعداد جان‌باختگان چند روز اخیر را در نظر بگیریم این تعداد در هرساعت به حدود ده نفر افزایش یافته است. البته این ارقام بر اساس آمار رسمی فوت‌شدگان است. آمار غیررسمی بسیار فراتر از چیزی است که اعلام می‌شود. چنانچه آمار واقعی فوت‌شدگان ناشی از بیماری کرونا از آغاز تا به امروز رقمی متجاوز از ۲۰۰ هزار است و نه ۵ / ۸۸ هزار نفری که رسماً اعلام شده است.

مردم ایران با شرایط هولناکی روبرو شده‌اند. ساعت‌به‌ساعت بر تعداد بیماران افزوده می‌شود. در بیمارستان‌ها جایی برای بیماران نیست. چادرهای صحرایی برپا شده است. به گفته معاون درمان بیمارستان میلاد، هر ساعت به تعداد بیماران افزوده می‌شود.

وی می‌گوید: در موج پنجم کرونا، هرروز حدود ۵۰۰ بیمار کرونا به بیمارستان میلاد، بزرگترین بیمارستان تأمین اجتماعی ایران مراجعه می‌کنند. حجم مراجعه بیماران تا حدی است که کلینیک تزریق رمدسیویر در چادرهای بیمارستان صحرایی در پارکینگ بیمارستان میلاد برپا شده است.

رئیس ستاد کرونای استان تهران نیز ۲ مرداد گفت: "ما آلان در تهران بیش از ۸۰۰۰ بیمار بستری داریم که این خود می‌تواند مهم‌ترین و تلخ‌ترین خبر باشد و بیش از ۲۰ هزار مراجعه سرپایی داریم که این نشان‌دهنده وخامت جدی و مستمر است." در تمام شهرهای قرمز ایران وضع بر همین منوال است.

اما بیمارستان‌های صحرایی هم کافی نیست. علاوه بر این، بیمارستان‌ها با کمبود کادر درمان، تجهیزات پزشکی و دارو مواجه‌اند. بنابراین، بیماران در برخی بیمارستان‌ها پذیرفته نمی‌شوند. حتی داروی رمدسیویر به‌عنوان داروی مؤثر در درمان بیماران مبتلابه کرونا در بیمارستان‌ها نیست یا با کمبود مواجه‌اند. معاون اجرایی بیمارستان فیروزآبادی شهری در گفتگو با ایلنا می‌گوید: به دلیل کمبود دارویی که در مراکز درمانی دیگر وجود دارد، امکان دارد بیمارستان‌های دیگر بیماران را نپذیرند و برای همین با آدرس‌های مختلف از تهران به ما مراجعه می‌کنند.

وی ادامه داد: ورودی بیمارستان ما به طرز عجیبی افزایش پیدا کرده است. ما یک لاین را برای تزریق رمدسیویر سرپایی ایجاد کردیم که اوایل روزی ۲۵ تا ۵۰ نفر مراجعه داشتیم، اما روزهای اخیر صبح تا ظهر ۲۵۰ نفر سرپایی فقط برای تزریق رمدسیویر داشتیم.

یعنی آدرس مراجعه‌کنندگان ما که جنوب تهران بود، به نقاط دیگر مثل نیاوران، تجریش، سعادت‌آباد و صادقیه تغییر کرده است. در صورتی‌که قبلاً آدرس بیماران برای همین

مناطق بود. افراد هم در مراکز دیگر یا معطل می‌شوند یا خدمت دریافت نمی‌کنند و به بیمارستان ما سرازیر می‌شوند.

اما کمبود دارو چرا؟ مگر رمدسیویر در ایران تولید نمی‌شود؟ بله وجود دارد، اما باید در مراکز درمان خصوصی آن را خرید. مردم جان می‌دهند اما دارو هم تبدیل‌شده است به وسیله‌ای برای کسب درآمد. همشهری در یک گزارش مفصل پیرامون این مسئله می‌نویسد:

"داروی رمدسیویر در مراکز خصوصی درمان باقیمت ۳۰۰ هزار تا یک‌میلیون تومان تزریق می‌شود. بالاینکه این دارو در بازار و داروخانه‌ها موجود نیست، بسیاری از این مراکز داروی رمدسیویر در اختیاردارند و بین یک‌میلیون تومان تا ۲۰ میلیون تومان نوع آمریکایی آن را می‌فروشند. آخرین خبرها حکایت از کمیاب شدن «رمدسیویر» دارد. رمدسیویر به‌عنوان داروی مؤثر در درمان بیماران مبتلابه کرونا شناخته می‌شود. بالاینکه این دارو تولید داخلی است اما در آغاز هر پیک کرونا، بازار از این دارو خالی می‌شود و بیماران برای خرید آن سرگردان می‌شوند."

تزریق رمدسیویر کاسبی جدیدی برای مراکز اعزام تیم‌های خصوصی درمان شده است. نکته اما اینجاست که برخی از این مراکز بالاینکه مرکز فروش دارو نیستند بالاینحال داروی رمدسیویر را در اختیاردارند و در صورتی‌که بیمار موفق به تهیه آن نشده باشد هر دوز را بین یک‌میلیون تا ۲۰ میلیون تومان با توجه به شرایط دسترسی به بیمار می‌فروشند. ۲۰ میلیون تومان برای نوع آمریکایی این داروست. ۳ دوز تزریق رمدسیویر، حدود ۴ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان می‌شود.

در یک چنین شرایطی از گسترش موج جدید بیماری کرونا و مرگومیر ناشی از آن، وضعیت واکسیناسیون نیز همچنان اسفبار است. تزریق واکسن به‌کندی و همراه با بی‌نظمی و هرج‌ومرج انجام می‌گیرد. پس از گذشت یک سال و نیم از شیوع ویروس، روز شنبه ۲ مرداد روابط عمومی وزارت بهداشت اعلام کرد: "تاکنون ۷ میلیون و ۶۵۴ هزار و ۶۱۲ نفر دُز اول واکسن کرونا و دو میلیون و ۳۷۲ هزار و ۱۶ نفر نیز دُز دوم را تزریق کرده‌اند." این تزریق ناچیز واکسن نیز باده‌ها مانع و مشکل برای مردم در بی‌نظمی و هرج‌ومرج انجام‌گرفته است. مردم در گرمای تابستان با استرس باید ساعت‌ها در ازدحام صف‌های طولانی بایستند و درگیر نوبت باشند. چند روز پیش، فیلمی از صف ۷ کیلومتری اتومبیل‌ها در مرکز واکسیناسیون باغ پرندگان پخش شد که مردم ساعت‌ها در انتظار واکسن‌اند. یکی می‌گوید از ۳ صبح در صف هستم و هنوز نوبت به من نرسیده است. دیگری می‌گوید: ۵۰۰ هزار تومان داده‌ام و ماشین کرایه کرده‌ام که بتوانم واکسن بزنم. گروهی هم از مردم ایران که می‌توانستند هزینه سفر به ارمنستان را تأمین کنند، در صف‌های طولانی نوبت در ارمنستان هستند و شب‌ها را در لب مرز یا در خیابان‌های ایروان سپری می‌کنند.

در همین حد ناچیز هم که واکسن در ایران تزریق شده است، مشکلات جدیدی را به همراه آورده است. تعداد افرادی که دوز دوم را هم تزریق کرده‌اند، اما بار دیگر مبتلا شده‌اند، بالاست. در جمهوری اسلامی که تمام گندکاری‌هایشان مخفی است، نه تعداد آن‌ها را اعلام کرده‌اند و نه نوع واکسن را. تنها گاه صحبت‌هایی را می‌توان از زبان پزشکان و مراکز درمانی شنید.

اخیراً رئیس سازمان نظام پزشکی در گفتگو با ایلنا گفت: "خیلی از افراد را می‌شناسم که در بیمارستان سینا و جاهای دیگر که دو دز واکسن زدند، اما باز هم به ویروس کرونا مبتلا شدند."

سیاست‌های جمهوری اسلامی در برخورد با پاندمی کرونا در ایران به‌تمام‌معنا فاجعه آفریده است و ده‌ها هزار تن از مردم ایران را روانه قبرستان‌ها کرده است. اما از دیدگاه سران و مقامات رژیم گویا هیچ اتفاقی رخ نداده است. حسن روحانی می‌گوید: "تا قول به مردم داده بودیم یکی در زمینه کرونا بود که بتوانیم تا حدی مهار کنیم و یکی در زمینه تحریم بود که دولت همه کارهای لازم را برای رفع تحریم انجام دهد، در هر دو زمینه می‌توانم با قاطعیت بگویم که دولت به مسئولیت خودش عمل کرده است." وزیر بهداشت نیز که بالاترین افتخار چاکری در آستان خامنه‌ای مرتجع و جلا است، ۲۸ تیرماه در خرم‌آباد با پرروئی تمام به مردم ایران گفت: "این ویروس فعلاً دست از سرمان بر نخواهد داشت و هرکس بگوید ویروس را خوب شناخته خطا می‌کند. این ویروس حالا حالاها مهمان ما است."

وی صریح‌تر از این نمی‌تواند به شکست اعتراف کند و بگوید کاری جز کشتار مردم از جمهوری اسلامی ساخته نیست و فعلاً هیچ چشم‌انداز نزدیکی برای پایان کشتار بی‌رحمانه مردم ایران وجود ندارد. او از وخامت اوضاع آگاه است و می‌داند درحالی‌که نوع دلتای ویروس همچنان کشتار می‌کند، نوع جدید و خطرناک‌تر این ویروس، لامبدا، به‌سرعت در گیلان در حال گسترش است.

هفته گذشته معاون دانشگاه علوم پزشکی گیلان، از شناسایی نوع جدید جهش یافته کرونا ویروس خبر داد و گفت "اخیراً کرونای لامبدا شناسایی شده که از سیستم ایمنی فرار می‌کند و قدرت سرایت و کشندگی بالایی دارد." لامبدا نوع خطرناک کرونا ویروس است که در آمریکای لاتین گسترش یافت و صدها هزار تن را تاکنون قتل‌عام کرده است.

پیش‌ازاین متخصصین بیماری‌های عفونی و اپیدمیولوژیست هشدار داده بودند که اگر در ایران هرچه سریع‌تر با ویروس کرونا مقابله نشود و واکسیناسیون گسترده‌ای انجام نگیرد، با انواع جهش‌یافته آن مواجه خواهیم بود. چنین نیز شد. نهمین مقابله‌ای جدی در مبارزه با نوع دل‌تا از طریق ترندهای مرزی پاکستان و افغانستان صورت نگرفت و مانعی بر سر راه گسترش آن از بلوچستان، هرمزگان و کرمان به سراسر ایران صورت نگرفت، بلکه واکسیناسیون هم انجام نگرفت. اکنون نیز به نقطه‌ای رسیده‌ایم که در کنار دل‌تا نوع لامبدا نیز سر برآورده است و چنانچه مانع جدی در برابر آن ایجاد نشود، این نوع ویروس کرونا از گیلان به سایر شهرها گسترش خواهد یافت.



افتخار بر مردمی که به حمایت از مبارزه مردم خوزستان برخاسته‌اند

کارگران و زحمتکشان! مردم ستمدیده ایران!

در حالی که ده روز از ایستادگی و مبارزه قهرمانانه مردم خوزستان می‌گذرد، این مبارزه به‌رغم لشکرکشی نظامی رژیم ارتجاعی و سرکوبگر جمهوری اسلامی به شهرهای خوزستان، به گلوله بستن اعتراضات مردم که تاکنون به قتل لاقفل ۸ تن از مبارزان، تعدادی زخمی، بازداشت‌های گسترده و حکومت‌نظامی اعلام‌نشده در برخی شهرها انجامیده است، همچنان ادامه دارد.

این مبارزه برحق مردم خوزستان از حمایت وسیع توده‌های مردم سراسر ایران برخوردار شده است. تظاهرات مردم در لرستان و الیگودرز که به مرگ یک جوان و تعدادی زخمی انجامید، سردادن شعار علیه جمهوری اسلامی در متروی تهران، تظاهرات بزدان شهر اصفهان و اکنون بجنورد و تبریز، صدور بیاتیه‌های کارگران، معلمان، نویسندگان، دانشجویان و هنرمندان در حمایت از مبارزات و مطالبات مردم خوزستان و محکوم کردن اقدامات سرکوبگرانه رژیم، جلوه‌های روشنی از همبستگی عمومی توده‌های زحمتکش و ستمدیده مردم ایران علیه رژیم است که در طول ۴۲ سال حاکمیت خود، جز سرکوب و اختناق، کشتار، زندان، فقر، بیکاری، گرانی و گرسنگی ارمغانی در ایران نداشته است.

ایران سراسر مبارزه است. کارگران نفت، گاز و پتروشیمی با روی آوری به اعتصاب به پا خاسته‌اند. کارگران مبارز و خستگی‌ناپذیر نیشکر هفت‌تپه، اعتصاب و راهپیمایی را سازمان داده‌اند. هم‌روزه در مناطق مختلف ایران اعتصابات و راهپیمایی کارگران برپاست، بازنشستگان، گروه‌هایی از پرستاران و معلمان پیوسته تجمعات اعتراضی برپا می‌کنند.

جمهوری اسلامی پس از ۴۲ سال ستمگری و ویرانگری، زیر ضربات پی‌درپی این مبارزات در آستانه سرنگونی قرار گرفته است. مردم مبارز و ستمدیده ایران! مبارزات خود را علیه جمهوری اسلامی تشدید کنید! در سراسر ایران به تظاهرات روی آورید و ضربات پی‌درپی بر پیکر پوسیده رژیم وارد آورید.

کارگران سراسر ایران! پیروزی مردم ایران درنبرد علیه رژیم ارتجاعی حاکم بر ایران، در دستان توانای شماست. اعتصابات خود را وسعت دهید. به اعتصابات سیاسی روی آورید و در تدارک برپائی اعتصاب سرتاسری سیاسی به‌عنوان پیش‌شرط قیام مسلحانه برای سرنگونی رژیم برآیید!

پیروز باد مبارزات مردم زحمتکش و ستمدیده ایران

علیه جمهوری اسلامی

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد

حکومت شورایی

نابود باد نظام سرمایه‌داری

زنده‌باد آزادی- زنده‌باد سوسیالیسم

سازمان فدائیان (اقلیت)

۲ مرداد ۱۴۰۰

از مردم خوزستان حمایت و مبارزه برای سرنگونی رژیم حاکم را تشدید کنیم

کارگران و زحمتکشان

هزاران تن از مردم ناراضی و خشمگین شهرهای مختلف استان خوزستان از پنجشنبه شب ۲۴ تیرماه در اعتراض نسبت به سیاست‌های رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و عوامل و مزدوران آن در منطقه، به‌ویژه در اعتراض به مشکل کم آبی و بی آبی به خیابان آمده و با تظاهرات توده‌ای و سردادن شعارهای گوناگون، خواستار رسیدگی به مشکلات خود و تأمین آب استان شده‌اند. مردم زحمتکش شهرهای مختلف خوزستان در اعتراضات پیگیرانه خود، خواهان استعفاء فرمانداران و همچنین خواستار آزادی زندانیان سیاسی شده‌اند.

مردم زحمتکش خوزستان سالیان متمادی است که نه فقط از تبعیض رنج می‌برند، بلکه معیشت آن‌ها نیز روز به روز وخیم‌تر شده است. ده‌ها هزار تن از جوانان و مردم عرب خوزستان که زیر فشار فقر و بیکاری درحال تباه شدن هستند، اکنون برای تغییر این وضعیت سر به عصیان برداشته و وارد خیابان شده‌اند. کار نیست، نان نیست، آزادی نیست و اکنون حتی آب را نیز از مردم خوزستان گرفته‌اند.

در حالی که اعتراضات مردم خوزستان روز به روز وسیع‌تر و گسترده‌تر شده و امروز ۲۹ تیر وارد ششمین روز خود شده است، رژیم حاکم از ترس گسترش بیشتر این اعتراضات و سرایت آن به سایر استان‌ها، نیروهای سرکوب گر نظامی و گارد ویژه از برخی استان‌های مجاور را برای سرکوب مردم به خوزستان اعزام نموده است. رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی فریاد تشنگان به پا خاسته شهرهای اهواز، آبادان، سوسنگرد، حمیدیه، شادگان، ملاتانی، ماهشهر، خرمشهر، بستان و دیگر شهرها را با گلوله جواب داده است. رژیم جنایتکار حاکم، اعتراضات مسالمت‌آمیز مردم تشنه خوزستان را به خاک و خون کشید. در اثر تیر اندازی و اقدامات جنایتکارانه مزدوران حکومتی تاکنون چند تن کشته، تعداد زیادی زخمی و تعداد بیشتری بازداشت و روانه زندان شده‌اند.

مردم ستمدیده ایران

رژیم جمهوری اسلامی به آخر خط رسیده است. این رژیم جز سرکوب و جنایت و جز غارت و چپاول هیچ از ماغمان دیگری برای مردم نداشته است. بعد از بیش از ۴۰ سال حاکمیت، حتی از تأمین آب مردم نیز ناتوان است. تمام افشار زحمتکش توده‌های مردم از وضعیت موجود ناراضی هستند. کارگران هر روز به اعتراض و اعتصاب دست می‌زنند. هنوز اعتصابات گسترده و سراسری کارگران نفت تمام نشده که تظاهرات خیابانی و توده‌ای در خوزستان شعله‌ور می‌شود.

ما فعالین و هواداران سازمان فدائیان (اقلیت) - داخل کشور ضمن محکوم نمودن سرکوب و کشتار مردم خوزستان از خواست‌های به حق مردم خوزستان دفاع و حمایت می‌کنیم. ما به تشدید مبارزه علیه رژیم ارتجاعی حاکم ادامه می‌دهیم و از همه افشار زحمتکش توده‌های مردم دعوت می‌کنیم از مردم خوزستان حمایت نموده و مبارزه برای سرنگونی این رژیم را تشدید کنند.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

برقرار باد حکومت شورایی

نابود باد نظام سرمایه‌داری

کار، نان، آزادی - حکومت شورایی

فعالین و هواداران سازمان فدائیان (اقلیت) - داخل کشور

۲۹ تیرماه ۱۴۰۰

گزارش از تجمع اعتراضی در استکهلم سوئد

روز شنبه ۲۴ ژوئن برابر با ۲ مرداد نیروهای چپ و کمونیست در خیابان مدبوریا پلاتزن استکهلم در حمایت از مردم انقلابی و مبارز خوزستان و دیگر استان‌های ایران دست به یک تجمع اعتراضی زدند که در این تجمع فعالین سازمان فدائیان اقلیت حضور چشمگیری داشتند. در جریان این تجمع فعالینی از سازمان‌ها و احزاب مختلف و همچنین یکی از فعالین سازمان فدائیان اقلیت در حمایت



از مردم بپا خاسته و جنبش کارگری ایران به ایراد سخنرانی پرداختند. در این تجمع شعار مرگ بر جمهوری اسلامی و جمهوری اسلامی نابود باید گردد بارها طنین‌انداز شد در عین حال حاضرین سعی کردند با سردادن شعارهایی به زبان سوئدی مردم شهر استکهلم را در جریان ستمگری جمهوری اسلامی و حوادث رخ داده در خوزستان قرار دهند. پس از پایان سخنرانی‌ها، شرکت‌کنندگان در این تجمع از خیابان مدبوریا پلاتزن تا سلوسن دست به تظاهرات زدند و در طول این مسیر از حمایت مردم شهر استکهلم برخوردار شدند. این تجمع اعتراضی که از ساعت ۱۲ ظهر شروع شده بود ساعت ۲ بعدازظهر به پایان رسید.

فعالین سازمان فدائیان (اقلیت) - سوئد

گزارشی از آکسیون شنبه ۲ مرداد در مقابل سفارت جمهوری اسلامی در لندن



شنبه ۲ مرداد از ساعت یک تا سه بعدازظهر روبروی سفارت رژیم فاشیستی جمهوری اسلامی آکسیونی توسط نیروهای چپ و کمونیست برگزار شد.

در این آکسیون شعارهایی از جمله: از خوزستان تا تهران زحمتکشان در میدان، اعتصاب اعتصاب مدرسه انقلاب، جمهوری اسلامی با هر جناح و دسته نابود باید گردد، حکومت زن‌ستیز سرنگون سرنگون، کارگر نفت ما رهبر سرسخت ما و یک شعار به زبان عربی در حمایت از مردم عرب در ایران. همچنین شعارهای انگلیسی در این تظاهرات داده شد که عبارت‌اند از: این خانه ترورستی باید بسته شود، اتحاد بین‌المللی، ما خواستار یک حکومت سوسیالیستی هستیم و مرگ بر رژیم اسلامی.



اطلاعیه شورای
همکاری نیروهای چپ و کمونیست

خیزش تشنگان بخون کشیده شد!

از شامگاه پنج شنبه ۲۴ تیر، خیزش مردم و جوانان خوزستان در اعتراض به مشکل بی آبی و قطع برق شهرهای اهواز، آبادان، سوسنگرد، حمیدیه، شادگان، ملاتانی، قلعه چنعان، ماهشهر، خرمشهر، بستان، کوت عبدالله و برخی دیگر از شهرها را فرا گرفته است. توده‌های به ستوه آمده دست به تظاهرات خیابانی زده و در بسیاری از مناطق و خیابان‌ها با آتش زدن لاستیک، اقدام به راه‌بندان و مسدود ساختن جاده‌ها کرده‌اند.

پاسخ نیروهای سرکوب رژیم به مردمی که از کمبود آب شدیداً رنج می‌برند و دام‌ها و کشت و زرع آنان نابود می‌شود با گلوله بوده است و به جای آب، اعتراضات آنها را به خون کشیده است. مقامات دولتی چه در سطح استان چه فراتر از آن، نه فقط هیچ‌گونه اقدامی برای رفع این کمبودها و نارسایی‌ها انجام ندهاند، بلکه نیروهای مزدور گارد ویژه را برای سرکوب اعتراض‌کنندگان وارد عمل ساخته‌اند و پاسخ مردمی را با گاز اشک‌آور و شلیک گلوله هوایی و سرانجام شلیک به روی اعتراض‌کنندگان داده‌اند. بر اساس آخرین گزارش‌ها تاکنون چهار جوان معترض به نام‌های "قاسم حمید بازم الناصری" در کوی کانتکس اهواز، "علی مزرعه" در منطقه‌ی کوی زویه، "مصطفی نعیمای"، اهل شادگان و "حسین آل ناصر" از اهالی سوسنگرد با شلیک مستقیم نیروهای امنیتی کشته شده‌اند. رژیم جمهوری اسلامی که در بحرانی همه‌جانبه بسر می‌برد در وحشت از گسترش اعتراضات خیابانی و تظاهرات توده‌ای، حتی اعتراض مسالمت‌آمیز توده‌های مردم تشنه و متقاضی آب را نیز با گلوله پاسخ می‌دهد. کارگران و توده‌های مردم زحمتکش ایران با گسترش اعتصابات و اعتراضات خیابانی و تظاهرات توده‌ای باید عرصه را بر این رژیم جنایتکار تنگ‌تر کنند و به حاکمیت ننگین و جنایتکارانه آن پایان دهند و به سوی گزینه شورایی کارگری خود گام بردارند.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست تعرض وحشیانه نیروهای سرکوبگر رژیم را به مردم حق طلب خوزستان به شدت محکوم می‌کند و پشتیبانی بی دریغ خود را از مطالبات برحق این اعتصابات و خیزش‌های مردمی اعلام می‌دارد و از همه انسان‌های کمونیست و آزادیخواه و فعالین جنبش کارگری دعوت می‌کند که صدای حق طلبانه کارگران اعتصابی در صنعت نفت و پتروشیمی و هفت تپه و توده‌های مردم بپاخاسته خوزستان را رساتر سازند.

زنده باد مبارزات حق طلبانه کارگران و مردم بپاخاسته
سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی! زنده باد سوسیالیسم!

27 تیرماه 1400 برابر با 18 ژوئن 2021

امضاها: اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری - حکمیت، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت)، هسته اقلیت

پیش به سوی تشکیل حزب طبقه کارگر

جمهوری اسلامی راه‌حلی برای وضعیت فاجعه‌بار اقتصادی ندارد

کالاها در اردیبهشت امسال نسبت به اردیبهشت سال گذشته بیش از ۱۰۰ درصد افزایش داشته‌اند. همچنین ۴۰ کالای دیگر نیز بیش از ۵۰ درصد گران شده‌اند.

براساس این گزارش جوجه یک روزه با ۴۳۲ درصد افزایش بیشترین میزان افزایش قیمت را تجربه کرده است. همچنین کنجاله سویا ۱۵۳ درصد، جو داخلی و خارجی ۱۵۲ و ۱۳۷ درصد، ذرت داخلی ۱۲۲ درصد و سیبوس گندم ۱۱۰ درصد افزایش قیمت داشته‌اند که تاثیر مستقیمی بر افزایش بهای برخی از کالاهای دیگر همچون گوشت و مرغ داشته است. همچنین بهای برنج هندی ۱۴۲ درصد، نخود ۱۳۲ درصد، روغن نیمه جامد ۴/۵ کیلویی ۱۲۹ درصد، روغن حלב ۱۶ کیلویی ۱۳۴ درصد و کره پاستوریزه ۱۲۵ درصد افزایش داشته است. همچنین برخی از کالاها بین ۵۰ تا ۱۰۰ درصد افزایش قیمت داشته‌اند، برنج تایلندی و پاکستانی ۸۶ و ۷۲ درصد، شیر خام درب دامداری، شیر و ماست پاستوریزه پرچرب با ۷۸، ۷۵ و ۵۷ درصد، شکر بسته‌بندی و کیلویی ۷۶ و ۶۷ درصد، قند شکسته ۶۶ درصد، تخم‌مرغ ۶۲ درصد، گوساله زنده ۵۴ درصد، گوشت گوساله مخلوط ۵۲ درصد، لپه و لوبیا چیتی ۷۷ و ۵۳ درصد، ماکارونی ۵۱ درصد، روغن مایع سرخ کردنی ۵۴ درصد و چای خارجی ۷۶ درصد افزایش قیمت داشته‌اند. تیراهن، میلگرد، سیمان، لاستیک خودرو و بسیاری دیگر از کالاها نیز که به طور غیرمستقیم در گرانی نیازهای مورد نیاز مردم همچون مسکن و حمل و نقل نقش دارند نیز براساس گزارش این وزارت بیش از صددرصد افزایش قیمت داشته‌اند.

اما آمار منتشره از سوی وزارت صنعت، معدن و تجارت هنوز واقعیت را بیان نمی‌کند. برای نمونه در آمار منتشره از سوی این وزارتخانه آمده است که مرغ زنده و گوشت مرغ تازه با ۱۳۷ و ۱۲۳ درصد به ترتیب ۱۷ هزار و ۶۶ و ۲۵ هزار تومان رسیده است. این در حالی است که در همان گزارش خبرگزاری ایسنا تاکید کرد که قیمت مرغ در روزهای اخیر به بیش از ۳۵ هزار تومان و در ابتدای تیرماه به حدود ۴۰ هزار تومان رسیده است. به عبارت دیگر قیمت گوشت مرغ در تیرماه ۱۴۰۰ نسبت به اردیبهشت سال گذشته حدود ۴۰۰ درصد افزایش یافته است!!

بسیاری از دیگر کالاهای این لیست وضعیت مشابهی دارند. بویژه از ماه اردیبهشت تا تیرماه قیمت برخی از کالاها به صورت انفجاری افزایش یافت. برای نمونه ماکارونی یکی دیگر از کالاهایی است که قیمت آن نسبت به آمار ارائه شده از سوی وزارت فوق بسیار بالاتر (رفته)

است. براساس گزارش وزارت "صمت" قیمت ماکارونی از اردیبهشت ۹۹ تا اردیبهشت سال جاری ۵۱ درصد افزایش یافت، اما رسانه‌های جمهوری اسلامی از جمله روزنامه همشهری در تاریخ ۱۴ تیرماه از افزایش یکباره ۷۰ درصدی ماکارونی خبر دادند. همشهری نوشت: "امروز نیز با توجه به اعلام واحدهای تولیدی قیمت ماکارونی به صورت رسمی تا ۷۰ درصد افزایش پیدا کرده است. البته کارخانجات ماکارونی طی هفته‌های اخیر اعلام کرده بودند امسال قطعاً قیمت ماکارونی افزایش خواهد یافت... ادامه این روند که کالا با قیمت سال گذشته عرضه شود اما هزینه حمل و نقل با افزایش ۷۰ درصد، دستمزد با حدود ۳۹ درصد و بسته بندی با بیش از ۷۰ درصد مواجه باشد برای تولیدکنندگان ممکن نیست"

در گزارش قیمت میدانی روزنامه نییای اقتصاد اما افزایش قیمت ماکارونی حدود ۱۰۰ درصد عنوان شده است. برای نمونه براساس این گزارش قیمت ماکارونی فرمی ساده ۵۰۰ گرمی از ۷۴۰۰ به ۱۵۴۰۰ تومان رسیده است. در این گزارش همچنین آمده است: "رشته آش هم در کنار ماکارونی افزایش قیمت داشته و ۵۰۰ گرمی برند میلاد از ۸۵۰۰ به ۱۷۰۰۰ و ۵۰۰ گرمی زرنیکو از ۹۵۰۰ به ۱۷۵۰۰ تومان رسیده است."

بهای نان نیز در روزهای اخیر به‌طور رسمی افزایش یافت که میزان این افزایش در شهرها و استان‌ها متفاوت است. قیمت نان اگرچه از چندی پیش تا ۵۰ درصد افزایش یافته بود، اما ناوایا به دلیل افزایش هزینه‌ها خواستار افزایش ۱۰۰ درصدی بهای نان بودند و به همین دلیل افزایش بهای نان، تغییری در کیفیت و وزن نان که بسیار کمتر از وزن مصوب است، ایجاد نکرد. البته نباید فراموش کرد که بخش مهمی از پایین بودن کیفیت نان به دلیل پایین بودن کیفیت آرد تحویلی به نانواهای است. قوانو مدیرکل وزارت "صمت" در مازندران در این رابطه گفت: "طبق محاسبه صورت گرفته هزینه‌های بخش نانواهای ۶۵ درصد رشد یافته است و به دلیل زیان دهی مجبور به افزایش نرخ نان شدیم" (۲۶ تیر خبرگزاری دولتی مهر) وی همچنین از فروش آرد توسط نانواهای برای جبران زیان‌ها خبر داد. قیمت نوسابه‌های گازدار نیز در طی سال گذشته افزایش چشمگیری داشته‌اند. بطری ۱/۵ لیتری نوسابه که پیش از این در خرداد سال گذشته به‌طور متوسط بهای آن ۴۸۰۰ تومان بود در خرداد امسال به ۱۱۸۰۰ تومان و در تیرماه به ۱۴۸۰۰ تومان رسید، یعنی بیش از ۳ برابر طی یک سال افزایش قیمت یافت. بهای انواع کنسروها همچون ماهی، رب گوجه و حتی شور و

ترشی نیز در این مدت شدیداً افزایش یافت. بهای کنسرو تن ماهی در زمستان سال گذشته با یک جهش شدید به ۴۰ هزار تومان رسید. همچنین انواع خیارشور در مغازه‌ها از ۳۸ تا ۵۰ هزار تومان به فروش می‌رود.

اما بیشترین جهش قیمت کالاها براساس گزارش همان مرکز آمار جمهوری اسلامی مربوط به کالاهای وارداتی است. "تجارت نیوز" در تاریخ ۳۰ تیر نوشت: "درحالی که حسن روحانی، رئیس جمهور می‌گوید تورم را کنترل کردیم و ونزوئلا نشدیم، آخرین گزارش مرکز آمار ایران درباره تورم اقلام وارداتی حاکی از تورم ۵۵۸ درصدی است... طبق گزارش مرکز آمار ایران، تورم نقطه‌ای کالا و خدمات وارداتی در زمستان ۹۹ بالغ بر ۵۵۸ درصد به ثبت رسیده است. به بیان ساده‌تر قیمت اقلامی که از خارج از کشور وارد شده است در یک سال ۵/۶ برابر شده است."

اما سیاست جمهوری اسلامی برای جلوگیری از "ونزوئلایی" شدن اقتصاد چه بود و چه نتایجی ببار آورد؟! حسن روحانی ۲۶ اسفند سال گذشته گفته بود: "در روزنامه‌ها نوشتند و گفتند تورم ایران سه رقمی و ونزوئلایی می‌شود. اگر کار و تلاش نمی‌شد، ممکن بود با چنین شرایطی مواجه شویم". اسحاق جهانگیری معاون اول وی نیز به تبعیت از رئیس خود ۳۰ فروردین در جلسه "ستاد فرماندهی اقتصادی مقاومتی" گفت: "پیش بینی بسیاری از اقتصاد دانان این بود که تورم ایران توری ونزوئلایی می‌شود یعنی تورم رشد ۱۰۰۰ درصدی خواهد داشت که قطعاً به لحاظ اقتصادی، اجتماعی و سیاسی غیرقابل کنترل است اما به فضل الهی و تدبیرهایی که صورت گرفت نرخ تورم در عدد ۳۶ درصد متوقف شد". واقعیت این است که تنها سیاست جمهوری اسلامی برای جلوگیری از "ونزوئلایی" شدن اقتصاد، کنترل و تعیین قیمت‌ها با ابزارهای حکومتی بود. روشی که نتایج فاجعه‌بارش را در جریان افزایش بهای مرغ و تعطیلی مرغداری‌ها دیدیم. همین مساله را امروز در مورد دامداری‌ها هم شاهدیم.

کنترل و تعیین قهری قیمت مرغ در یک جایی به انفجار رسید و نتیجه این شد که قیمت مرغ یکباره به ۴۰ هزار تومان رسید و بسیاری از مرغداری‌ها نیز تعطیل شدند. به‌گفته‌ی محمدرضا حسینا عضو اتاق بازرگانی "خراسان رضوی" "اگر همچنان معضل تامین خوراک دام تداوم داشته باشد، با تعطیلی‌های ادامه‌دار مرغداری و دامداری‌ها روبه‌رو خواهیم شد... در شهر نیشابور در استان خراسان رضوی که ۶۰۰ مرغداری وجود دارد، تنها ۲۰ مرغداری جوجهریزی انجام داده‌اند که همین مساله نشان‌دهنده یک بحران جدی است... حتی پیش‌بینی ما این است که اگر این شرایط ادامه پیدا کند، مرغ دست کم به کیلویی ۸۰ تا ۱۰۰ هزار تومان و گوشت قرمز هم به کیلویی ۲۰۰ تا ۲۵۰ هزار تومان خواهد رسید" (جهان صنعت ۳۱

جمهوری اسلامی راه‌حلی برای وضعیت فاجعه‌بار اقتصادی ندارد

تیر) این در حالی‌ست که حتا با قیمت امروزی گوشت قرمز و سفید، قدرت خرید مردم بسیار پایین آمده و بازار در رکود است. در گزارش این روزنامه همچنین آمده است: "کمبود علوفه بر اثر خشکسالی و افزایش قیمت نهاده‌ها و هزینه‌های پرورش دام، موجب رو آوردن بسیاری از دامداران به کشتار دام مولد شده است به طوری که تنها در کشتارگاه صنعتی مشهد طی اردیبهشت امسال ۱۱/۶ درصد دام سبک کشتار شده را دام مولد و در بخش دام سنگین نیز ۴۴ درصد کشتار را گاو شیرده تشکیل داد".

مجتبی عالی مدیرعامل اتحادیه سراسری دامداران در همین رابطه گفت: "بین ۳ تا ۶ ماه آینده با کمبود شدید در حوزه عرضه دام و گوشت مواجه می‌شویم". وی با بیان اینکه قیمت تمام شده تولید هر کیلوگرم گوشت گوسفند زنده برای دامداران ۸۰ هزار تومان است، گفت: "در حال حاضر حداکثر قیمتی که گوسفند را از دامداران می‌خرند، کیلویی ۵۰ هزار تومان است". (اقتصاد سرآمد). این معضل در رابطه با تولید سایر کالاها نیز صادق است از نان گرفته تا لبنیات و غیره. یک نمونه وضعیت برنج است که از هم اکنون درباره‌ی رشد انفجاری قیمت آن هشدار داده شده است، آن هم برنجی که هم اکنون نیز از سفره بخش بزرگی از مردم بیرون رفته و جای‌اش را نان و ماکارونی گرفته است. باغبانی دبیر انجمن پرورش‌دهندگان قارچ خوراکی با بیان اینکه قیمت برخی از مواد اولیه تولید قارچ بین ۶۰۰ تا ۷۰۰ درصد رشد داشته است، گفت: "سال گذشته روزانه ۴۷۰ تن قارچ تولید و به بازار عرضه می‌شد، اما امسال حداکثر ۳۰۰ تن قارچ در روز تولید می‌شود" (اعتماد آنلاین ۳۰ تیر). در واقع کنترل قیمت‌ها و چشم بستن بر علل واقعی معضل بحران اقتصادی رکود - تومی نه تنها در درازمدت اثر خود را از دست می‌دهد بلکه منجر به تشدید رکود اقتصادی و در نتیجه تشدید بیکاری نیز می‌شود.

در کنار همه‌ی این معضلات، گرانی مسکن و اجاره بهای منزل یکی دیگر از معضلات کمرشکن برای کارگران و زحمتکشان و بویژه جوانانی‌ست که تازه به بازار کار روی آورده‌اند. به‌نوشته‌ی روزنامه خراسان، براساس برآوردهای وزارت راه و شهرسازی در سال ۹۹ متوسط اجاره بهای یک واحد مسکونی در تهران و کلان شهرها ۶۴ درصد از درآمد یک خانوار را بلعیده است، در مراکز استان و شهرهای بالای ۲۰۰ هزار نفر جمعیت ۵۹ درصد و در شهرهای زیر ۲۰۰ هزار نفر جمعیت ۴۹ درصد. این معضل وقتی ملموس‌تر می‌شود که بدانیم چه تعداد از جمعیت کشور اجارمنشین هستند. به‌گفته‌ی محمودزاده معاون مسکن و ساختمان وزارت راه و شهرسازی براساس آخرین آمار نفوس و مسکن در سال ۹۵ از ۱۸ میلیون و ۱۰۰ هزار خانوار تعداد ۶ میلیون و ۶۰۰ هزار خانوار مستاجر هستند و در ۷ استان

تهران، کهگیلویه و بویراحمد، کرمانشاه، قم و لرستان نرخ اجارمنشینی بیش از ۴۰ درصد است.

اما برنامه رئیس جمهور آینده و منتصب خامنه‌ای، ابراهیم رئیسی برای حل این معضل چیست؟! وی پیش از "انتخابات" در جلسه‌ای با برخی از "اقتصاددانان" جمهوری اسلامی گفته بود: "معتمدیم نمی‌توان بازار را دستوری و در اتاق‌های در بسته اداره کرد بازار باید در تصمیمات اقتصادی نقش داشته باشد... باید گذاشت که بازار در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی دخیل باشد". او همچنین در جلسه‌ی اخیر که بار دیگر با تعدادی از "اقتصاددانان" در روز ۲۳ تیر برگزار کرد ضمن تاکید بسیار بر واگذاری امور (بنگاه‌های اقتصادی) به بخش خصوصی گفت: "دولت متصدی خوبی برای امور اقتصادی نیست". این همان جلسه‌ی است که یکی از همان "اقتصاددانان" به نام مسعود نیلی که اتفاقا در دوران کابینه روحانی در تعیین سیاست‌های اقتصادی نقش داشت، با بیان اینکه "تورمی مهارنشده در راه است" از شکل‌گیری ابرتورم در ماه‌های آینده سخن گفت.

حال اگر رئیسی بخواهد بر سر همان "وعده‌های انتخاباتی" خود بماند، معنای گفته‌ی او در دیدار با "اقتصاددانان" چیزی نیست جز آن‌که به‌عنوان بخشی از سیاست‌های اقتصادی کابینه، کنترل و تعیین قهری قیمت‌ها را رها کند. اما رها کردن قیمت‌ها، همان‌طور که تعیین قهری قیمت‌ها راه حل مقابله با بحران اقتصادی رکود - تومی نبود، نه تنها راه حل نیست، بلکه اقتصاد را کاملاً "ونزوئلایی" خواهد کرد.

واقعیت این است که سال‌ها سیاست جمهوری اسلامی نتیجه‌ی جز تشدید بحران اقتصادی و ویرانی نداشته است. نتیجه‌ی سیاست‌های اقتصادی، خارجی و داخلی، دزدی و فساد حاکم در بیش از چهار دهه، چیزی‌ست که امروز شاهد آن هستیم و هیچ راه‌حلی در چارچوب نظم موجود ندارد.

به‌نوشته‌ی خبرگزاری فارس وابسته به سپاه پاسداران در سال ۹۸ حجم نقدینگی از تولید ناخالص داخلی فراتر رفت و به ۱۰۳/۶ درصد تولید ناخالص داخلی رسید. در دو سال اخیر نیز با توجه به تشدید رکود اقتصادی و کوچک‌تر شدن اقتصاد و در عین حال رشد بی‌سابقه‌ی

نقدینگی، میزان نقدینگی از تولید ناخالص داخلی بسیار فراتر رفته است و براساس واقعیت‌های اقتصادی می‌تواند حتا تا پایان سال جاری حجم نقدینگی از دو برابر تولید ناخالص داخلی نیز فراتر رود. براساس آمار رسمی میزان نقدینگی طی تنها دو سال اخیر بیش از ۲ برابر افزایش یافته است. براساس آمار بانک مرکزی در پایان خرداد ماه نقدینگی با رشد ۶/۶ درصدی نسبت به پایان سال گذشته از مرز ۳۷۰۰ تریلیون تومان (۳۷۰۰ هزار میلیارد تومان) گذشت. سال گذشته نقدینگی با ۴۰/۶ درصد رکورد رشد نقدینگی را در تمام سال‌ها شکست، و بدون هیچ تردیدی با توجه به کسری بودجه بی‌سابقه‌ی سال جاری، رشد نقدینگی در سال جاری نه فقط رکورد قبلی را بار دیگر خواهد شکست، بلکه شاهد انفجاری در رشد نقدینگی خواهیم بود. آن‌هم بودجه‌ای که در قسمت هزینه‌ها ۱۱۰ درصد نسبت به بودجه سال گذشته رشد داشته است!! بودجه‌ای که مجلس کنونی که اتفاقا در سیاست‌های اقتصادی و غیره همچون رئیسی تابع محض خامنه‌ای است، نقش مهمی در افزایش سقف بودجه و به عبارتی کسری آن داشته است.

طبیعی‌ست که در چنین شرایطی با دولتی که از نظر مالی ورشکست شده، با دولتی که غرق در فساد است، با دولتی که حتا از تامین آب و برق نیز به دلیل عدم سرمایه‌گذاری در مانده و سال به سال نیز بدتر می‌شود، هیچ امیدي به کاهش تورم و بهبود شرایط اقتصادی نیست. اتفاقا برعکس خطر رشد بی‌سابقه‌ی تورم زندگی و معیشت کارگران و زحمتکشان جامعه را تهدید می‌کند. کابینه رئیسی با معضلی روبروست که راه حلی برای آن ندارد. اگر کنترل و تعیین قیمت‌ها را بردارد، قیمت‌ها انفجاری می‌شوند و ضمن شکل‌گیری ابرتورم قدرت خرید نیز در جامعه وجود ندارد و این‌گونه هم تورم و هم رکود تشدید می‌شود. اگر کنترل و تعیین قیمت‌ها را ادامه دهد سرنوشت مرغداری‌ها و دامداری‌ها به سراغ دیگر بخش‌ها نیز رفته و ضمن تشدید رکود، غول تورم را نیز بیدار کرده و باز ابرتورم را شکل می‌دهد.

تنها راه این است که مردم، کارگران و زحمتکشان، سرنوشت‌شان را خود در دست بگیرند. دولت فاسد و دزد را برکنار کرده و با برقراری حکومت شورایی و اتخاذ سیاست‌های رادیکال اقتصادی همچون ملی کردن صنایع بزرگ، ملی کردن بانک‌ها و دیگر موسسات مالی که اقتصاد را به چنین وضعیت هولناکی کشانده‌اند و اعمال کنترل کارگری برتولید و توزیع، راه را برای توسعه‌ی اقتصادی، رفاه، آسایش، امنیت و آزادی توده‌ها هموار سازند.

رژیم جمهوری اسلامی را باید

با یک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام

مسلحانه برانداخت

جمهوری اسلامی راه‌حلی برای وضعیت فاجعه‌بار اقتصادی ندارد

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)
نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri
Postfach 410
4410 Liestal
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب
بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه
کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های
سازمان ارسال کنید.
شماره حساب:

نام صاحب حساب: Stichting ICDR

NL08INGB0002492097
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<http://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaian-minority.org

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان
(اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

http://T.me/fadaian_aghaliyat

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/>

آدرس سازمان در تویتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliya>

t

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

[kar.fadaianaghaliyat](https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat)

ای میل تماس با نشریه کار:

kar@fadaian-minority.org

KAR Organization
Of Fadaian (Aghaliyat)
No 930 July 2021

گرانی را بیش از هر زمان دیگر و با سرعتی
غیرقابل تصور بر سر توده‌های رنج‌کشیده و
ستم‌دیده‌ی ایران آوار می‌کنند.
جدا از توده‌های کار و زحمت که این واقعیت را
به‌خوبی در زندگی محقرشان می‌بینند، حتا
گزارش‌های منتشره در رسانه‌های سانسور شده
جمهوری اسلامی این واقعیت را تایید می‌کنند.
به‌گزارش خبرگزاری دولتی ایسنا در تاریخ ۲۶
تیرماه، براساس جدیدترین آمار منتشره از سوی
وزارت صنعت، معدن و تجارت، قیمت برخی از
در صفحه ۸

براساس آخرین گزارش مرکز آمار جمهوری
اسلامی، نرخ تورم در تیرماه به ۴۴ / ۲ رسید،
همچنین نرخ تورم نقطه به نقطه نیز از سوی این
مرکز ۴۳ / ۶ درصد اعلام شد. اگرچه همین نرخ
رسمی تورم یکی از بالاترین نرخ‌های تورم در
جهان است، اما واقعیت این است که نرخ تورم،
بویژه در مورد کالاهای خوراکی و دیگر
نیازهای ضروری کارگران و زحمتکشان
جامعه، بسیار فراتر و غیرقابل مقایسه با نرخ
تورم رسمی می‌باشد. توری که سفره‌های
کوچک کارگران و زحمتکشان را کوچکتر و بار



shora.tv@gmail.com

تلویزیون دکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان‌های
زحمتکش، شریف و ستم‌دیده‌ای است که
برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می‌کنند

برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی از اول فوریه ۲۰۱۹ برابر با
۱۲ بهمن‌ماه ۱۳۹۷ بر روی شبکه تلویزیونی
Komala TV / Shora TV پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره‌ای شبکه تلویزیونی "کومله تی وی / شورا تی وی" بدین
قرار است:

ماهواره یاه ست (yahsat) فرکانس: ۱۱۹۵۷ سیمبل ریت ۲۷۴۸۰
پولاریزاسیون عمودی

ساعات پخش برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی:
دوشنبه: از ساعت ۹ تا ۱۱ شب

سه‌شنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۵ بامداد - ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و ساعت ۳ تا ۵ عصر

چهارشنبه: از ساعت ۹ تا ۱۱ شب

پنجشنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۵ بامداد - ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و ساعت ۳ تا ۵ عصر

جمعه: از ساعت ۹ تا ۱۱ شب

شنبه: از ساعت ۹ تا ۱۰ شب

شنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۵ بامداد - ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و ساعت ۳ تا ۵ عصر

یکشنبه: بازپخش ساعات ۳ تا ۴ بامداد، ساعت ۹ تا ۱۰ صبح
و ساعت ۳ تا ۴ بعدازظهر

آدرس ایمیل: Shora.tv@gmail.com، شماره تلفن:

۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

<https://fadaian-aghaliyat.org>، <https://tvshora.com>

فیس‌بوک: Shora shora، تلگرام: @tvshora

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی